

مطبوعات کمیاب در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی

سید فرید قاسمی

کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) را بیشتر به گنجینه نسخه‌های خطی و کتابهای سنگی و حروفی می‌شناسند. حال آنکه این کتابخانه یکی از مجموعه‌های غنی نشریه‌های ادواری را داراست که فقط قریب به ۱۸۰ عنوان از روزنامه‌ها و مجله‌های روزگار قاجار را در بر دارد.

نگارنده که توفیق فهرستنگاری برخی مطبوعات آن کتابخانه را داشته، به این نکته دست یافت که شماری از نشریه‌های قدیم موجود در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) دست کم در ۴۶ کتابخانه معتبر ایران و جهان موجود نیست. آنچه در پی می‌خوانید ۷ نمونه از این گونه نشریه‌هاست. همچنین یک عنوان از شبه مطبوعات روزگار قاجار نیز در خاتمه این وجیزه معرفی شده است.

حقیقت

نشریه حقیقت، ۱۳۲۵ق در تهران متولد شد. شماره سوم حقیقت در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) موجود است. بنابر سرلوحه شماره یاد شده، گردانندگان حقیقت از این قرارند:

«صاحب امتیاز و مدیر کل: میرزا محمد صادق تاجرکاشانی ساکن طهران [،] دبیر و نگارنده: آقا سید میرزا آقا اصفهانی».

آگاهی‌های دیگری که در دو سوی عنوان نشریه می‌یابیم این‌هاست:

«هفته [ای] دو نمره طبع و توزیع می‌شود [،] مرکز: خیابان ناصریه [ناصرخسرو کنونی] کتابخانه تمدن [،] محل طبع: طهران [،] عنوان مراسلات: طهران سرای امیر خدمت [،] قیمت اشتراک سالیانه [:] طهران ۱۲ قران [،] نصف سال: ۷ قران [،] سایر بلاد داخله: ۱۸ قران [،] روسیه و قفقاز: ۴ منات [،] ممالک خارجه: ۱۰ فرانک [،] قیمت اعلانات: سطری پانصد دینار [،] قیمت یک نمره [نسخه] در طهران: ۲ شاهی [،] سایر بلاد داخله: ۳ شاهی».

ذیل سرلوحه می‌خوانیم که «مبنای این جریده بر ضبط نطق سرکار قدوة المحققین آقای ملک المتکلمین که در انجمن اتحادیه طلاب مذاکره می‌فرمایند و در نشر اعلانات و مقالات علمی، تجارتنی، سیاسی آزاد است. ۳ شنبه ۱۹ جمادی الثانیة ۱۳۲۵ هجری قمری ۱۱ خردادماه جلالی».

نشریه حقیقت در دارالطباعة شرقی به چاپ رسیده، افزون بر نطق‌های ملک المتکلمین در بردارنده اخبار به ویژه خبرهای پیرامون انجمن اتحادیه طلاب و نیز پاسخ‌نامه‌هایی به سایر روزنامه‌های آن روزگار است. حقیقت ۴ صفحه با قطع ۳۴ × ۲۱ دارد.

حلم آموز

شماره نخست حلم‌آموز را پیشتر دیده بودم، اما شماره دوم این نشریه را اول بار در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) تورق کردم. تاریخ و فهرست مندرجات شماره‌های اول و دوم حلم‌آموز از این قرار است:

شماره یک: چهارشنبه ۱۰ ربیع الاول ۱۳۲۵ ق؛

«فصل اول در بیان فروعات اصلی دارالشورای دولت مشروطه که او را مجلس سنا گویند. فصل دوم در بیان فروعات کنفرانس صلح عمومی که بنا به توجه دول متمدنه در اروپا تأسیس شده

فصل سوم در بیان توضیح فلاح و رشديه.

فصل چهارم در بیان رمان حلم‌آموز سرگذشت میرزا حسین خان مدیر که نکته سنجان مترصد مشاهده نتایج او می‌باشند».

شماره دو: جمعه ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۲۵ ق:

«(۱) در بیان رمان حلم آموز سرگذشت میرزا حسین خان مدیر که نکته سنجان مترصد مشاهده نتایج او می باشند.»

(۲) در بیان فصل سوم اساس اصلی دارالشورای دولت مشروطه که در هر عهد و اوان نگارنده قانون ژولیده منزوی بوده.

(۳) جریده در بیان فصل دوم کنفرانس صلح عمومی که بنا به قرارداد دول در اروپا تأسیس شد.

(۴) در بیان توضیح کلمه طیبه جامعه فلاح که رستگاری ابناء وطن در اوست.»
مدیر و نگارنده حلم آموز میرزا حسین خان است که در بیان سرگذشت خود چنین نگاشته که «نگارنده حلم آموز در هزار [و] دویست [و] هشتاد نود [!] هجری در شهر ایروان تولد و والده که داشت صبیبه حاجی میربابای نقیب موسوی، نیز پدر نگارنده جبار آقا نام پسر حاجی زین العابدین تاجر ابن حاجی حسین میر بلوک، ساکن قریه (خراتلو) و حاجی زین العابد [ین] دارای یک پسر و دو دختر بوده، جبار آقا نام که پسر حاجی مذکور و پدر نگارنده بوده، در حیات حاجی زین العابدین به رحمت ایزدی پیوسته و این که موافق احکام شرع نبوی در بودن اولاد، جد از ترکه بابا چیزی به نواده نمی رسد، لهذا حاجی زین العابدین تمام دارای [دارایی] خود را به یک حبه نباتی مصالحه شرعی نموده بخشید که بعد از مردنش، این نواده هم از مایملک وی بی بهره و تهی دست نگردد...».

ساحل نجات

دو نشریه با نام ساحل نجات با تاریخ ۲۶ رجب ۱۳۲۵ در بندر انزلی منتشر شد. گردانندگان یکی اسماعیل احمدزاده تبریزی و میرزا ابوالقاسم طهرانی و مدیر دیگری شیخ ابوالقاسم افصح المتکلمین بود. نمره هایی از ساحل نجات به مدیریت افصح المتکلمین در شماری از کتابخانه ها موجود است، اما ساحل نجات که گردانندگانش اسماعیل احمدزاده تبریزی و میرزا ابوالقاسم طهرانی بوده اند، برای نخستین بار در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) دیده شد. در سرلوحه نشریه یاد شده

آورده‌اند: «هو‌العلی‌ الاعلیٰ [،] ساحل نجات [،] مساوات [،] مواسات [،] فعلاً هفته [ای] یک مرتبه طبع و توزیع می‌شود [،] قیمت اعلان سطری دهشاهی [،] در صورت تکرار تخفیف داده خواهد شد [،] وجه آبونه بعد از تقدیم پنج نسخه دریافت خواهد شد [،] اداره روزنامه ساحل نجات انزلی [،] مکاتبات به اسم اسماعیل احمدزاده تبریزی [،] دبیر اداره میرزا ابوالقاسم طهرانی [،] عنوان تلگراف ساحل نجات [،] تاریخ پنج شنبه ۲۶ رجب ۱۳۲۵ [...] قیمت اشتراک سالیانه صد نسخه [،] انزلی رشت و آستارا ۱۰ قران [،] سایر بلاد داخله ۱۵ قران [،] قفقاز و روسیه ۳ مناط [،] قیمت یک نسخه [،] انزلی رشت آستارا ۲ شاهی [،] سایر ممالک ایران ۳ شاهی [،] قفقاز و روسیه ۳ کپک [،] روزنامه ملی سیاسی علمی ادبی اقتصادی و مقالات عام المنفعه به امضاء و تعرفه کافی که مخالف با مسلک اداره نباشد با نهایت امتنان قبول و درج خواهد شد.»

سرمقاله شماره نخست ساحل نجات را چنین آغاز کرده‌اند: «الحمد لله الذي يرفع المصتضعفين [المستضعفين] و يضع المستكبرين. حمد بي حد و سپاس بي عدد مر آفريننده [ای] را سزا است که از پرتو علم و اتفاق اولاد آدم را بر تمام حيوانات بل به جميع کوه‌ها و صحراها و درياها مسلط گردانيد و درود نامعدود بر پيغمبر اکرم و رسول خاتم و اوصيای عظام او که نشرکننده قانون عدل و انصاف و هادی به صراط مستقيم مساوات و مواسات هستند که از پرتو همان قوانین بعد از هزار و سیصد و بیست و چهار سال ما کشتی شکستگان بحر مهیب جهالت و غرق شدگان دریای بی پایان غفلت را که هر ساعت کوه - کوه امواج استبداد هر ساعت به سوی گرداب هرج و مرج و هر لحظه به طرف کام نهنگان ظالم می‌کشید، یک مرتبه با همت بلند علمای اعلام و حامیان حضرت خیر الانام از این ورطه هولناک خلاص و به ساحل نجات سلطنت قانونی مشروطه و مجلس مقدس شورای ملی رسیدیم. پس ما راست که همیشه حالت سابقه خودمان را در مدنظر داشته، در حفظ و حراست آن نعمت عظمی و موهبت کبرا با مال و جان حاضر باشیم تا به مصداق آیه کریمه اذ نجاهم الی البر، مستوجب سخط خداوندی نگردیم و نیز هر آن با هزار زبان و التماس تمام قانون اساسی را بخواهیم که اسم ما را از دفتر آدمیت محو و در عداد... ثبت نکرده باشند.»

ساحل نجات در اولین شماره دو مطلب دیگر دارد. یکی با مطلع «کم من فئة قليلة غلبت

فئة كثيرة باذن الله و الله مع الصابرين» و دیگری با تیترا «مکتوب یکی از فضیلات جلیل».

صداقت

صداقت از حیث شکل و تا حدودی محتوا مجله مانندی است که روزنامه‌اش خوانده‌اند. قطع شماره نخست صداقت ۲۱ × ۱۷ و ۱۶ صفحه دارد. روی جلد آورده‌اند: «هو [،] محل توزیع روزنامه صداقت در کتابخانه صداقت طهران [،] رئیس مطبوعه شاهنشاهی عبدالله قاجار ۱۳۲۶».

صفحه دوم صداقت سرلوحه گونه‌ای است که اطلاعات ذیل را در بردارد: «صداقت غرة محرم ۱۳۲۶ [،] طهران مرکز خیابان ناصریه، کتابخانه صداقت، محسن تبریزی مدیر بنده خدا [،] قیمت نمره اول چهارشاهی حالا آبونه داده نمی‌شود [،] این روزنامه، آزادی است از آتش جهنم، اگر توفیق باشد هر هفته توضیح [توزیع] خواهد شد و تقویم را در این روزنامه هفتگی درج که قارئین محترم در موقع لزوم محتاج به ملاحظه تقویم نباشند و در هر نمره برای مزید اطلاع مراجعه به این روزنامه فرمایند و ان شاء الله هفته آینده زیارت عاشورا ضبط خواهد شد و اعمال ماهها و روزها و واجبات نوشته می‌شود».

اولین شماره صداقت را به مطلب بلندی با عنوان «محرمانه» اختصاص داده‌اند که با برگه محرم الحرام ۱۳۲۶ / ۱۲۸۶ ش از تقویم نجومی به روایت نجم الدوله پایان می‌پذیرد.

طریقه الفلاح

طریقه الفلاح را میرزا زین العابدین شریف شیرازی ۱۸ صفر ۱۳۲۵ در مطبوعه شرقی تهران انتشار داد. صفحه آغاز و پایان نشریه یاد شده به عنوان و ۴ مصراع شعر اختصاص پیدا کرده و صفحه دوم نشریه را «صفحه ۱» نامیده‌اند. به نظر می‌رسد با توجه به آن که آغازین تیترا صفحه یک «حیّ علی الفلاح» نام گرفته، احمد کسروی در تاریخ مشروطه ایران نام این نشریه را حیّ علی الفلاح دانسته است.

باری، گرداننده طریقه الفلاح این نشریه را با انگیزه انتشار چهار محور به چاپ

رسانده است:

«فصل اول در بیان اساس اصلی دارالشورای دولت مشروطه [؟]»
فصل دوم در بیان یک صد و بیست و شش فقره فروعاً کنفرانس صلح عمومی که تاکنون مجهول بوده [؟]

فصل سوم در بیان حفظ الصحة روحانی و جسمانی ابناء وطن [؟]
فصل چهارم در بیان مذاکرات سودمند مسافر سیاسی هوشیار با پیر پر تدبیر نغز گفتار.

گرداننده طریقه الفلاح اعلام کرده است که «طریقه الفلاح فقط مطابق فصول اربعه ذیل سخن رانده و مطالب راجعه را مجاناً قبول و جزء مندرجات خواهد گردید. هفته [ای] یک مرتبه در مطبعه شرقی طهران طبع و توزیع می شود. قیمت روزنامه در داخله و خارجه در نمره آتیه معلوم خواهد شد.»

گلستان

۱۴ شعبان المعظم ۱۳۲۵ در رشت، مطبعه عروة الوثقی، نشریه گلستان به مدیریت محمد حسین ملقب به رئیس التجار و مشهور به سفینه انتشار یافت. بر بالای سرلوحه گلستان آورده اند: «استدعا آن که قیمت اشتراک فراموش نشود [؟] شماره ۱ سال اول صفحه ۱». در دو سوی عنوان افزون بر نشانی نوشته اند: «قیمت اشتراک عجاله [عجالتاً] در بلاد داخله غیرت و انصاف، عدل و مساوات...».

ذیل عنوان نیز می خوانیم:

«به چه کار آیدت ز گل طبقی از گلستان من ببر ورقی
گل همین پنج روز و شش باشد و این گلستان همیشه خوش باشد»

همچنین پس از تاریخ انتشار؛ موضوع و ترتیب انتشار را ذکر کرده اند:

«این روزنامه آزاد و از هر قیل [قبیل] مقالات نافع و وقایع زشت و زیبا می نگارد و هفته [ای] یکبار طبع و توزیع خواهد شد.»

به دنبال سرمقاله درباره «سبب نگارش این روزنامه» نوشته شده است که «این بنده محمد حسین ملقب به رئیس التجار ابن حاجی محمد باقر که مدت چهارده سال در باد کوبه مشغول تجارت و خدمت به هموطنان بود [ه ام] گاهگاهی که با دوستان ملت

پرست وطن خواه ملاقاتی کرده اقلب [اغلب] صحبت از دولتخواهی [دولتخواهی] و ملت پرستی به میان می آمد. جمعی که مدت ها در بلدان خارجه مانده و حلاوت حب الوطن من الایمان را چشیده می گفتند موافق شرع مطهر نبوی - صلی الله علیه و آله بر هر فردی از افراد لازم بلکه واجب است که خدمت وطن مقدس را اهم عبادات و الزم طاعات دانسته به قدر قوه در این راه کوتاهی نکنند و غفلت نوزند. نصایح مشفقانه دوستان وطن خواه برآرم داشت که خیال هجرت نموده در ضمن بنایی به یادگار در وطن مقدس بگذارم. مدتی دچار و گرفتار این خیال بوده تا آنکه بعد از چندی قوه مخیله [به] این جا منتهی گردید که [...] برخی از دوستان و برادران عزیز مشوق این بنده شدند که با قلم شکسته و نطق بسته به انتشار روزنامه بپردازم، چرا که امروز برای تنبیه و آگاهی ابنای وطن که غالب روش اجانب ندانند و از سیاست مغربیان که ظاهری چون چهره خوبان آراسته و باطنی [باطنی] چون دل دوزخیان [...] دارند و از مکر و کیدشان غافلند هیچ بهتر از نصیحت و ذکر خیر نیست که عموم اهل وطن را از آن فواید مخصوصه حاصل آید، چرا که روزنامه آینه ای ست که حسن و قبح افعال هر کس را توان در صفحه آن درج نمود و پرده ای ست که زشت و زیبای هر چه را در متن آن توان کشید. چنانچه دانایان هر مملکت نیک و بد ملت خود را بی مهابا [محابا] نمودند و نوشتند و ابنای ملت گوش فراداشته نصایح آنان را شنودند و در اصلاح کار خویش برآمده لوازم امورات سیاسی و روحانی یعنی شرعی و عرفی خود را به خوبی فیصل [فیصله] داده و عالم به حقوق و حدود و ملک و مملکت گردیدند و از قید اسارت و بندگی خلاص شده در میان سایر ملل فخر و مباهات نمودند. در این صورت امروز برای اشخاص که طالب خدمت به وطن مقدس می باشند و بحمدالله جراید ما هم آزادست خدمتی بهتر از نشر روزنامه و همت و اقدام در آگاهی نوع نیست...».

معدن الفرائد و میزان الجرائد

«جزو اول» معدن الفرائد و میزان الجرائد، روز «یکشنبه ۲۷ شهر محرم الحرام سنه ۱۳۲۶ مطابق ۳۰ فوریه ماه فرانسه ۱۹۰۸» در «مطبعة شرقی طهران، مقابل شمس العماره» از زیر چاپ خارج شد. «قیمت این نمره سه شاهی» و وعده داده اند که «جزو

دوم هشت صفحه قیمت صد دینار» خواهد بود «جزو اول» ۱۲ صفحه در قطع ۲۱×۱۷ دارد و درباره ترتیب انتشار نوشته‌اند: «عجالتاً ماهی دو نمره طبع و نشر می‌شود اگر طالب داشته باشد، هفته [ای] یک نمره طبع و هم بر اوراق افزوده خواهد شد». در صفحه نخست معدن الفرائد و میزان الجرائد، گستره موضوعی نشریه را چنین قلمی کرده‌اند:

«درین مجله شریفه معدن الفرائد و میزان الجرائد که جزاً فجزاً طبع و نشر می‌شود، ارائه و تحقیق می‌شود از هر گونه قواعد سیاسیة ملت قدیمه محترمه ایران از موازین سیاسیة نفسیه و بدنیه و منزلیه و بلدیه و مملکتیه خصوص مهمات آنها از قبیل قواعد و قواعد [فواید] بانک ملی و ترتیب سرباز و عسگر ملی و بیان رؤسای ادارات مملکتی و امثال اینها و تشخیص داده می‌شود ترهات و اباطیلی که از بعضی منابر و جرائد و انجمنها نشر کرده و می‌کند که مخل به ارکان مشروطیت حقه است و مرجع اخبار به اداره این مجله مبارکه انجمن محترم اتحاد ارومیه است».

توضیح مفصل‌تر درباره گستره موضوعی، انگیزه نشر مجله با نگاهی به اوضاع آن روزگار ایران را چنین آورده‌اند: «... پرواضح است که از نعماء جلیله و منن عظیمه جدیده حضرت حق - جل ذکره - بر این ملت عتیقه محترمه ایرانیان، تنبه و بیداری آنها است بر اساس مشروطیت که از اولین اسباب و مؤثرترین علل این بیداری انتشار بعضی از جرائد نافع و تداول بعضی از منابر و مجامع مفیده است و بعد از این نعمت بزرگ اعظم از آن نیز بر آنها افاضه شده که تهیج هم عالیة آنها و امدادات غیبیه ایشان باشد. در تأسیس این اساس سدید در این زمان قلیل که در واقع سبب حیرت تمام عالمیان شد [...] لذا اخبارات جریده [ای] و تلگرافی این وقعه بدیعه، تمامت دول و اقطار را فرو گرفته [...] چون به مقتضای بزرگی و عظم این امر جدید که منقلب کردن استبداد به مشروطیت باشد لامحاله و لاعلاج باید انقلابی در امصار و اقطار پدید آید و آمد که به حمدالله و فضلله همه آنها به زودی و خوشی رفع و دفع شده و می‌شود بعضی از جریده نویسان و اهل منبر کردند آنچه کردند و گفتند آنچه گفتند و به این واسطه بعضی از اوهام را مشوب و بعضی از اذهان را در حقیقت و معنای مشروطیت حائر و مردد بلکه پاره [ای] از عقاید ضعفا اهالی اسلام را زبون کردند و به اسم ملت پرستی و

خیرخواهی اعمال اغراض شخصیه و مکنونات دنیه خود نمودند بلکه بعضی از آنها این افساد ملت و اختلاف کلمه را سبب جمع آوری و جلب منافع دنیویه از برای خود قرار دادند و عوام بیچاره چندین قرن خواب رفته را که تازه مشرف به بیداری است، به منزله گله گوسفندی فرض کرده به هر سمتی کشیدند و هر قدر توانسته دوشیدند و بالاخره هم آنها را در وادی حیرت و ضلالت چون خود گذاشته و گذشتند که خدای ریشه آنان را از بن برکنند و بالجمله چون به استلزام آن امر خطیر این داستان منبر بازی و جریده سازی روی کار آمد، این احقر بر خود کالفرض یا فرض دیدم که به قدر وسع حرکتی کنم و حرکتی دهم و احسن و اقوم طرق حرکت خود و تحریک غیر را صراط مستقیم شرع اسلامیان دیدم. پس بر ما در این مجله شریفه بیان واقعات دو مطلب است و سخن را باید در دو رشته قرار دهیم یکی ترجیح قواعد [...] شرع ایرانیان بر تمام قواعد سیاسیه دنیا و بیان آن قواعد و این که آن قواعد کافی و وافیه است به تمام جزئیات و کلیات امور و مقاصدی که در ظرف عقول درآید در هر عصری و دوره [ای] و این که تمام مهمات و لوازم مشروطیت حقه از تنظیم ادارات از مالیه و عدلیه، عسکریه، ملیه و وزارتیه و غیره و غیره تماماً و کمالاً از روی همان اصول [...] آئین اسلامیان متسق و منتظم خواهد شد به درجه که بر هر صاحب تأملی مدلل و ثابت شود که ایرانیان در ازمنه استبداد فقط قوه مجریه صحیح نداشتند و اما قوه علمیه آنها از همه دول اکمل است (می گویم و می آیمش از عهده برون) [...] در هر جزوی از جزوات این مجله مبارکه باید در دو قسمت سخن رانیم. قسمت اول در سیاسات اسلامیه؛ قسمت دوم در جرح و تعدیل مکالمات منبریه و جرائد ملیه - مگر این که ذیل کلام و تتمیم مرام در احدی القسمین سبب تمام شدن جزو شود که درین صورت آن جزو محض خواهد شد در همان یک قسمت».

شماره نخست معدن الفرائد و میزان الجرائد، پس از سر مقاله به نسبت مفصل، دربردارنده دو قسمت است: «قسمت اول در سیاسات [:] اسلامیه» و «قسمت دوم در مکالمات ملیه».

«مکالمات ملیه» چنین آغاز می شود: «اولاً باید دانست که یکی از وظایف لازمه ارباب منبر و اصحاب جرائد بلکه قاطبه اهل اطلاع و خبرت آنست که معنی و مقصود

بعضی از الفاظ را به عوام اهل ملت و بی‌خبران از ابناء وطن بفهمانند و از برای آنها شرح و ترجمه نمایند از قبیل استبداد و مشروطه و پلتیک و حریت و آزادی و مواسات و بانک ملی و سرباز ملی و اداره مالیات و وطن و ملت و غیره و غیره از الفاظی که یا جدید الاستعمال است عندالخواص و العوام و یا عمومیت پیدا کرده است. استعمال آنها چرا که بدیهی است هیچ امری از امور نوعیه سیما مثل مبانی اساس مشروطیت پیشرفت نخواهد کرد مگر به اتفاق در رأی و عقیده و این اتفاق حاصل نشود مگر آنکه محاورات و مکالمات یکدیگر را بفهمند. معروف است سه رفیق با یکدیگر نزاع داشتند و هر یک اهل لسانی بودند. رفیق عرب می‌گفت اریدالعنب، رفیق ترک تغیر می‌کرد می‌گفت بخ مناً ازم ایسترم، رفیق فارس می‌خواست دق کند که چرا این‌ها ملاحظه مرا نمی‌کنند من انگور می‌خواهم. شخص رابعی که عالم به این السنه بود انگورشان داد دفعتاً ساکت شدند و نزاع برخواست [برخاست]. حال در زمان ما هم قضیه چنین شده هنوز فلان مرد دهقان یا فلان زن نساجه یا فلان بقال سرگذرگمان می‌کند مشروطه یعنی کفر یعنی زندقه یعنی الحاد یعنی چه یعنی چه خیلی که ترقی کنند و با غیر خود مراوده و محاوره کنند، تازه می‌گویند ما نمی‌فهمیم مشروطه یعنی چه؛ می‌خواهند مملکت ما را مثل فرنگستان کنند و حق هم دارند، چرا که خلفا [...] سلف هیچ یک این الفاظ را استعمال نمی‌کردند و نمی‌دانستند و از همین جهت است که بعضی از مفسدین همین گونه الفاظ را دست آویز افساد خود کرده و می‌کند و رفته رفته کار به جایی رسیده که در اکثریات تمام بلاد و قری بلکه مجالس و محافل شبانه روزی، مردم دو دسته شده‌اند، نظیر دو دسته حیدری و نعمتی [...]. حال اگر این الفاظ [...] در عصر ما هم اگر مفصلاً از برای مردم ترجمه و شرح نشود، بعید نیست که تا چندین سال بعد همین دو دسته مستبد و مشروطه که از روی تشابه و اجمال الفاظ درست شده باقی بماند و مفاصدی به زاید با این که معنی صحیح هیچ یک از این الفاظ منکری ندارد. پس ما خود اولاً پردازیم به شمه [ای] از ترجمه و شرح جمله از این الفاظ تا سبب اقدام دیگران شود.

اشعار سید مداح نطنزی رشتی المسکن

اشعار سید مداح نطنزی رشتی المسکن، شاید به باور برخی نشریه محسوب نشود،

چون به مفهوم امروزی از حیث شکل و محتوا تعریف ادواری‌ها را ندارد. اما در آن روزگار نشریه‌هایی با ویژگی‌های نشریه یاد شده می‌توان دید که سراسر منظوم‌اند. اگر این نظر را نیز نپذیریم، این مجموعه در زمره شبه مطبوعات جای می‌گیرد.

اشعار سید مداح نطنزی رشتی المسکن را که ابتدا در رشت منتشر شده بعدها گویا در تهران با ترتیب انتشار هفتگی عرضه کرده‌اند: «چون اشعار آبدار مداح مجلس و مشروطه هواخواه ترقی و تمدن ملت سید نطنزی رشتی که در ستایش سرداران ملت غیور ایران و نکوهش رؤسای ظلم و استبدادیان بسیار مرغوب و مطلوب عموم برادران گشته بود و سابق در رشت به طبع رسیده بود، لهذا مجدداً بنا بر خواهش آنان به ترتیب از این به بعد هر هفته یک نمره طبع و نشر خواهد گردید».

نکته جالب انتشار «نمره ۲» پیش از «نمره اول» است. چون در ذیل عنوان در شماره دوم آورده‌اند: «یک ورق نمره اول بعد از این نمره طبع خواهد شد».

شماره‌های ۲، ۳ و ۴ اشعار سید مداح نطنزی رشتی المسکن در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) موجود است. شماره ۲ سه شاهی و شماره‌های ۳ و ۴ «در طهران دو شاهی» و «قیمت تک نسخه خارج طهران سه شاهی» تعیین شده است. اشعار سید مداح نطنزی رشتی المسکن در هر شماره ۴ صفحه و در قطع ۳۴ × ۲۱ است.